

سید جمال الدین اسلامی!



استاد حسن رحیم پور ازغدی

دیدبانی در شهر کوران!

تأثیری که سید جمال در جهان اسلام و تاریخ اسلام داشته، هنوز به درستی شناخته نشده است. تجلیل‌های صوری از او می‌شود ولی به کار عظیمی که او انجام داد توجه نمی‌شود. سید جمال یک قرن جلوتر از تاریخ فکر می‌کرد و عمل می‌کرد. علت اصلی اینکه روشنفکران و حتی عده‌ای در حوزه نجف با سید جمال مخالفت می‌کردند این بود که او دیدبانی بود در شهر کوران! او چیزهایی را می‌دید که دیگران نمی‌دیدند و چیزهایی را می‌شنید که دیگران نمی‌شنیدند. لذا مدام سوء تفاهم میان او و دیگران پیش می‌آمد. ما نیاز داریم به بازخوانی سید جمال. بازخوانی آنچه گفت و آنچه اندیشید که در عصر خودش شنیده نشد. کاری که سید جمال آغاز کرد و نتوانست به سرانجام برساند را امام خمینی به سرانجام رساند.

سید جمال اسلامی او علیرغم اصرار دیگران هیچ وقت به مذهب و ملیت خود اشاره نمی کند. برای اینکه سیدجمال جهانی و اسلامی می اندیشید. خود سید جمال اصرار دارد که «اسلامی» نامیده شود نه ایرانی و افغانی. سید جمال متعلق به هیچ شهر و روستایی نیست. اینکه عده ای دنبال اسنادی هستند که ثابت کنند سید جمال ایرانی بود یا افغانی یا شیعه بود یا سنی، هیچ ضرورت و فایده ای ندارد جز اینکه عده ای با آن پز دهند! مهم آرمان ها و اهداف اوست که باید پیگیری شود نه اینکه با اسم او پز داده شود.

نتایجی که امروز از بذره‌های سیدجمال درو می کنیم سید جمال یک چریک تمام عیار فرهنگی، ایدئولوژیک و سیاسی است. کسی که خانه و کاشانه ای ندارد و ازدواج نکرده و در آن زمان که مسافرت به سختی امکان پذیر بوده، از افغانستان تا هند و مصر و اروپا و ترکیه و روسیه و ... را سفر می کند. او در این سفرها هرکجا که رفته کادرسازی کرده و بذره‌ایی را کاشته که نتایج آن تا امروز مشهود است. مثلاً جریان اخوان المسلمین که بزرگترین تشکیلات سیاسی - مذهبی جهان اسلام است، نتیجه یکی از بذره‌ایی است که سید جمال کاشته است. شاگردان سید جمال مانند عبده، استادان پایه گذاران اخوان مانند حسن البنا بوده اند. هسته اولیه تفکر ضداستعماری، بازگشت به اسلام و اتحاد اسلامی سید جمال است.

ما هیچ انقلابی - مسلمان - روشنفکر نداریم مگر اینکه به نحوی تحت تاثیر سید جمال بوده است. حتی جریان‌ات سلفی هم متأثر از او هستند. اصلاً تعبیر «سلف» و اینکه باید به سیره سلف صالح بازگردیم، تعبیر سید جمال است. سلفی گری نه به معنای ارتجاعی، بلکه به معنای انقلابی و برگشت به میراث صدر اسلام برای رسیدن به عزت و قدرت و وحدت. سلفی گری او به معنای بازگشت به گذشته نیست، بلکه به معنای بازگشت به ریشه هاست. اولین کسی که حرف از نواندیشی با تکیه بر مبانی دینی زد سید جمال بود. تمام شعارهایی که امروز در جهان اسلام تبدیل به پرچم مبارزه شده است را ابتدا سید جمال بیان کرده است.

اعتراف بزرگ سیدجمال

سید جمال در آخر عمر اعتراف می کند به اینکه نباید روی حکام و نخبگان سرمایه گذاری می کرده و باید مستقیماً به توده مردم روی می آورده است. این اشتباهی است که امام خمینی مرتکب نشد. می گوید رابطه مسلمین با هم که به خاطر مذهب یا قومیت و ملیت قطع شده دوباره باید احیا شود. خود سید جمال

هیچ وقت نگفت که سنی است یا شیعه. هیچ گاه ملیت خودش را بازگو نکرد. دلیلش این بود که می خواست این رابطه ها را دوباره برقرار کند. اسنادی وجود دارد که نشان میدهد او نه تنها اهل سلوک که اهل کرامت هم بوده است. ولی به دلیل گسترش خرافات در جهان اسلام که به اسم کرامات بوده، این ویژگی خود را بروز نمی داده است.

در حوزه فلسفه سیاسی - اجتماعی اسلام، تقریباً بعد از فارابی و ابن خلدون، سید جمال تنها کسی است که مباحث فلسفه عملی و فلسفه نظری را مرتبط کرده و سراغ مصادیق اجتماعی هم آمده است. باید سیدجمال را یک فیلسوف اجتماعی بزرگ اسلامی دانست. تقریباً تمام روشنفکران و متفکران اسلامی دوران معاصر که از منظر قرآن و سیره پیامبر به مسائل اجتماعی نگاه کردند، سرمشق آنها سیدجمال بوده است. چون قبل از او در شیعه و سنی کسی نبوده که اینگونه مصداقی وارد مباحث فلسفه اجتماعی شود.

سیدجمال شخصیتی صرفاً سیاسی نیست

او را نباید صرفاً شخصیتی سیاسی دانست. سیدجمال در حوزه فلسفه، عرفان، احکام، فقه و تفسیر صاحب نظر است. در همه این مباحث تدریس داشته است. متأسفانه جنبه علمی سیدجمال مغفول مانده است. ایشان در حوزه فلسفه اخلاق، مکتب شناسی، ریاضیات جدید، هیات، پزشکی، نجوم و فلسفه غرب تخصص دارد.

سید جمال در قرن 19 می زیسته که دوران اوج ایسم ها در اروپا بوده است. سید جمال از همه آنها به خوبی شناخت داشته و همه را نقد می کند. ایشان به چند زبان مسلط بوده و مقالات او به چند زبان مختلف نوشته شده است. سیدجمال نه فیلسوف درجه یک بود نه یک فقیه درجه یک. اما چیزی داشت که هیچ یک از فلاسفه و فقها نداشتند و آن جامعیت سید جمال است، آنچه که جهان اسلام به آن احتیاج داشت. شیخ محمد عبده درباره سید جمال می گوید اگر بگویم بعد از پیامبران کسی بالاتر از سید نیامده مبالغه نکرده ام!

سیدجمال و مشروطیت

ادوارد براون کتابی دارد درباره مشروطیت در ایران. این کتاب را با سیدجمال شروع می کند و مشروطیت را محصول تلاش سیدجمال و بذرهایی که او کاشته می داند. همانطور که در قضیه تحریم تنباکو نیز سیدجمال نامه ای به میرزای شیرازی نوشت و ایشان را به صدور حکم ترغیب کرد. در اولین نفوذهای نظام سرمایه داری غرب در ایران و وقتی بانک وارد ایران شد، سیدجمال تعبیر «البانک! مالبانک! ما ادراک

مالبانک» را خطاب به علما و فقها به کار می برد. سید جمال می گفت شما نمی دانی بانک چیست. در حالی که این شروع تسلط سرمایه داری غرب بر کشور است. می بینیم که هر کجا خطری متوجه اسلام و کشورهای اسلامی بوده سیدجمال هم هست. پدر کار رسانه ای مدرن مسلمان سیدجمال است. او اول کسی است که وارد عرصه روزنامه نگاری شده است. ادوارد براون درباره سیدجمال می گوید: این سید بدون مبالغه پادشاهان را بر روی تختشان به لرزه درآورده. نقشه های رجال و دول اروپایی را که بسیار خوب تهیه شده بود، بر هم زد.

سیدجمال و احیای قرآن

خدمت دیگر سید جمال به جهان اسلام، احیای دوباره قرآن و بازگرداندن آن به صحنه تفکر و اجتماع مسلمین بود. او خودش مفسر قرآن بود. او می گوید: «آه آه چه سان فوائد امروز آن از فرط جهل و غفلت منحصر در امور ذیل شده است: تلاوت بالای قبور شبهای جمعه، مشغولیت صائمین، زیالة مساجد، کفارة گناه، بازیچه مکتب چشم زخم، نظر قربانی، قسم دروغ، مایة گدائی، زینت قنداق، سینه بند عروس، بازوبند نانوا، گردن بند بچه ها، حمایل مسافرین، سلاح جن زده ها، زینت چراغانی، نمایش طاق نصرت، مقدمة انتقال اسباب، حرز زورخانه کار، مال التجارة روسیه و هند، سرمایه کتابفروشا، سرمایه گدائی زنان بی تقوی و مردان بی سروپا در معابر! آه، وا اسفا، یک سورة والعصر فقط که سه آیه بیش نیست، اساس نهضت یکدسته اصحاب صفه گردید که از فیض مقدس همین مختصر سورة مبارکه شرک زار بتخانه مکه را قبل از هجرت بستان وحدت و یزدان خانه بطحا نمودند. آه والهفاه! این کتاب مقدس آسمانی، این گرامی تصنیف حضرت سبحانی، این مایه کل السعادات انسانی، از دیوان سعدی و حافظ و مثنوی و ابن فارض امروزه کمتر محل اعتناء و مورد اهتمام است. در هر مواعظ و معانی عرشی و فرشی از او استفاده کنند. برعکس، جمعی که یکی از منسوجات شعریه خوانده می شود نفسها از ته دل کشیده چشمها، گوشها و دهنها برای او باز مانده و چه اندازه قرآن، برعکس که هرگز در هیچ جا با قیل و قال فکر و کار کسی مزاحم نخواهد بود. «ای وحقک سبحانک اللهم انت القائل و قولک حق - نسوا فانسیهم انفسهم -» تو را فراموش کردیم تو هم آئینه قلوب ما را از انعکاس توفیق حقایق ذکر مقدست محروم نمودی. «سبحانک اللهم و قولک حق - ان لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» وجه نفوس خودمان را از اطاعت مقدست برگردانیم تو هم سعادت و شرافت ما را بذلت و نکیت تبدیل فرمودی.»

سیدجمال بزرگترین دشمن فراماسونری و انگلستان

علیه سید جمال اسناد زیادی هست که عده ای آنها را مستمسک قرار می دهند. سید جمال بزرگترین دشمن

فراماسونری و انگلستان است اما یک زمانی وارد این جریان می شود تا آن را خوب بشناسد. باید کل حیات سید جمال را یکجا دید، نه اینکه چند سند را کنار هم گذاشت و از آن نتیجه گیری منفی کرد. اینکه گاهی دوگانگی و دوپهلویی در مواضع او دیده می شود به این دلیل است که او در مبارزه خود تقیه می کرده است. اول باید به این نکته توجه کرد که در زمان سیدجمال که فراماسونری تازه تشکیل شده بود، این معنای منفی که الان نزد ما دارد را نداشت. بعدها افشا شد که فراماسونری شبکه ای استعماری است برای نفوذ بر ملت ها. در ابتدا این محافل به عنوان خانه های روشنفکری و نواندیشی شناخته می شد. شعارشان هم آزادی، برابری و برادری بود. نخبگان جهان عرب هم معمولا در این جلسات شرکت می کردند. سیدجمال برای اینکه بفهمد اینها چه کسانی هستند و چه کار می کنند به بعضی از جلسات آنها رفت و آمد می کرد. چون اینها در حال کادرسازی و نخبه سازی بودند برای نفوذ در جهان اسلام. سنگ بنای استعمار و نفوذ در کشورهای اسلامی که کماکان هم وجود دارد، در فراماسونری بنا نهاده شد. البته عکسی که از ایشان در جلسه فراماسونری منتشر شده در واقع عکس نیست و نقاشی است. عکسی از این قضیه وجود ندارد. سیدجمال که برای شناخت وارد این جلسات شده بود بعد از این چند جلسه علنا در حضور جمع مبانی آنها را زیر سوال می برد و به بحث با آنان می پردازد و تقریبا به حالت قهر و اعتراض از این جلسات بیرون می آید.

برای شناخت سیدجمال چه باید کرد؟

سرویس های جاسوسی انگلستان سایه به سایه تعقیبش می کنند. سفیر انگلیس در مصر به لندن نامه می نویسد و می گوید حزبی که این مرد راه انداخته اگر ادامه پیدا کند ریشه انگلستان را در مصر و شمال آفریقا خواهد خشکاند! و بعد از این قضیه بود که سید جمال را از مصر تبعید کردند. روح جهاد که از فرهنگ اسلامی فراموش شده بود را سیدجمال احیا کرد. برای شناخت سیدجمال باید به حزبی که خودش تشکیل داد رجوع کنیم. باید برنامه های حزب وطنی را دید. سفیر انگلیس در مصر خطاب به مقامات انگلیسی می گوید: « اگر این انجمن حزب الوطنی یک سال دیگر برقرار باشد و سلسله جنبان امروزه آسیای غربی و مرکزی و آفریقای شرقی و شمالی، سیّد جمال الدین همدانی، مرفّه البال و آسوده خاطر در مصر زیست کند، گذشته از این که تجارت و سیاست بریتانیا در قاره آفریقا بالمرّه معدوم گردد که سهل است ترس آن است که سیادت قاطبه اروپا از هیمة این انجمن عجیب وجود تاریخی کسب نماید و اثری از او در صفحه عالم باقی نماند.»

وای به حال جایی که سیدجمال به آنجا برود!

در یکی از اسناد درباره کارهایی که حزب الوطنی انجام داد آمده: عیادت 1500 مریض، برآورده کردن خواسته های 1200 مسلمان، اصلاح 800 شراب خوار، مقید به نماز کردن 1300 تارک الصلوة، نجات دادن 400 نفر اهل فحشا، کمک کردن به 750 ورشکسته مالی، پاسخگویی به پرسش های عقلی و دینی صدها نفر، مسلمان کردن 120 کافر. در سندی از وزارت خارجه انگلیس آمده که وقتی سیدجمال را از مصر تبعید می کنند، نماینده ویژه لندن به پای کشتی می رود تا مطمئن شود سید سوار کشتی می شود و می رود! بعد در نامه ای می نویسد که ما که از شر او خلاص شدیم ولی وای به حال آن جایی که سید به آنجا می رود! سید در رساله نیچریه به نقد تفکرات ماتریالیستی و طبیعت گرایانه می پردازد. در آنجا می گوید با این تفکرات شاید بشود یک تمدن مادی ساخت ولی به هیچ عنوان نمی توان تمدنی انسانی ساخت. سید جمال می گوید فقط دین سلسله انتظام هیئت اجتماعی است. یعنی تمدن سازی انسانی فقط با دین امکان پذیر است. در حالی که اولین داعیه طایفه نیچری ها برانداختن دین است.

شش ضلعی سیدجمال برای تمدن سازی

سید جمال در پاسخ به کسانی که دین را مخالف دنیا می دانند به بیان مزایای دینداری می پردازد. سید جمال سه اعتقاد نظری و سه خصلت عملی را برمی شمارد که سبب ساخته شدن یک تمدن پیشرفته می شود. اولین اعتقاد این است که انسان اشرف مخلوقات است. دومین آن اینکه امت ما برترین امت هاست یعنی خودباوری. سوم کمال طلبی است. اولین خصلت حیاست. یعنی کاری که خلاف کرامت انسان است انجام نشود. حیا پلیس درون انسان است که کارآیی اش از هزار محتسب و دادگاه و قانون بالاتر است. دومین خصلت امانت و امانتداری است و سومین خصلت صداقت و راستی است. سیدجمال می گوید هر شش این اعتقادات و خصلت ها در دین است.

منبع: مجله الکترونیکی اخوت